

# آسیب‌شناسی فرهنگی و راهکارهای مقابله با آن

عزت مهاجرانی - دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی

## چکیده

مسئله فرهنگ و مسائل و آسیب‌های فرهنگی طوری نیست که یک دفعه بوجود آید و با چند جمله مشورت‌کردن از بین برود. حل مسائل و آسیب‌های فرهنگی مثل کندن یک صخره با سوزن است. جامعه انسانی و فرهنگ انسانی مرکب از عوامل انسانی و غیرانسانی است که در تاثیر و تاثر با یکدیگر پیکره واحدی را پدید می‌آورند. بدیهی است ارزیابی، برنامه‌ریزی و مدیریت چنین مجموعه‌ای بدون در دست داشتن شاخص مشخص و معینی مشکل است. برنامه‌ریزی‌های کلان کشور همواره بر اساس مدل‌های اقتصادی است و به فرهنگ از دریچه اقتصاد می‌نگرد که خود یکی از مهمترین آسیب‌های فرهنگی است. آسیب‌های فرهنگی را می‌توان در قالب: ۱- آسیب‌های صرفاً فرهنگی؛ ۲- آسیب‌های اقتصادی - فرهنگی؛ ۳- آسیب‌های سیاسی - فرهنگی؛ ۴- آسیب‌های ساختاری دسته‌بندی کرد.

## مقدمه

### مبانی مفهومی و نظری فرهنگ

«جان لنگ» در سال ۱۹۹۸ در تعریف فرهنگ این‌طور گفته است که فرهنگ تمام جنبه‌های زندگی را در برمی‌گیرد. فرهنگ‌ها در سراسر جهان منحصر به فرد هستند. زیرا هر فرهنگی زمینه و بستر تاریخی خود را دارد. در واقع فرهنگ نتیجه تبادلات بسیار طولانی بین انسانها و محیط است و چون در جهان دو محیط و دو تاریخ مشابه وجود ندارد، فرهنگها مشابه نیستند و فرهنگ هر ملتی منحصر به فرد است.

«واکر ناچل» در سال ۱۹۹۶ گفته است در غرب صحبت از نوعی رابطه معنوی بین انسان و طبیعت است این امر تاییدی بر ارتباط بین انسان و محیط است که این ارتباط زمانی منطقی و سالم است که به صورت بخشی از فرهنگ و نظام ارزشی جامعه باشد.

«آرتمن» در سال ۱۹۸۰ در رابطه با فرهنگ می‌گوید فرهنگ با ساختارها، نهادها و ارزش‌های خود انسان را به محیط طبیعت و جهان مرتبط می‌سازد و بالاخره آنتونی گیدنز در تعریف فرهنگ گفته است: فرهنگ عبارت است از ارزش‌هایی است که یک گروه معین از هنجارهای آن پیروی می‌کنند و ارزش‌ها آرمان‌های انتزاعی هستند. البته هنجارها اصول و قواعد معینی دارند که از مردم انتظار می‌رود آنها را رعایت کنند. حتی شیوه زندگی، ازدواج و بسیاری از فرهنگ با شیوه زندگی اعضای یک جامعه و جامعه نیز به روابط متقابل آنها مرتبط می‌شود. هیچ فرهنگی نمی‌تواند بدون جامعه معین باشد، و هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند بدون فرهنگ معین باشد فرهنگ به وجه انسانی می‌پردازد و آن را از وجه حیوانی انسان جدا می‌سازد. (مبانی مفهومی و نظری فرهنگ، ص ۱۱۹)

خلاصه اینکه بعضی فرهنگ را ارتباط بین انسان و محیط از طریق تبادلات بسیار طولانی و بعضی یک ارتباط سالم و منطقی بین انسان و محیط و بعضی هم فرهنگ را مجموعه ارزش‌ها و هنجارها دانسته‌اند به همین دلیل می‌توانیم از فرهنگ دو نوع تعریف داشته باشیم: یک تعریف پویا و یک تعریف ایستا. تعاریف ایستا بیانگر ویژگی و شاخص‌های فرهنگ است که شامل ارزش‌ها و قوانین و مقررات رسمی و غیر رسمی، سنتها، آداب و رسوم می‌باشد و کوچک‌ترین تغییر در اینها وضعیت انسان را عوض می‌کند. مثلاً اگر آداب و رسوم عوض شود وجه انسانی انسان و هویت انسان عوض می‌شود و بطور کلی تغییر فرهنگ از تغییر ارزش‌ها و سنت‌ها آغاز می‌شود. (گیدنز، ۱۹۸۹، ۵۳)

و اما تعریف دیگر فرهنگ، پویا بودن آن است که این پویایی حاصل مبارزه سازگارانۀ عقلانی انسان با محیط است یعنی انسان برای حفظ بقا و یا رسیدن به کمال مبارزه می‌کند و این مبارزه مثبت است زیرا انسان در این مبارزه می‌خواهد محیط را متناسب با خود یا خود را متناسب با محیط کند. در این دو مقوله انسانها متفاوت

هستند یعنی خود را با محیط سازگار می‌کنند و بعضی محیط را با خود سازگار می‌کنند و در دوران زندگی انسان همواره این مبارزه وجود دارد. یعنی انسان در طول حیات خویش همواره بدنبال این خودیابی است که این خودیابی می‌تواند الهی باشد یا می‌تواند شیطانی باشد. (پهلوان، ص ۲۲)

پس می‌توانیم بگوییم به تعداد انسانها، ملتها، و اقوام فرهنگ وجود دارد و فرهنگ چیزی نیست که بتوان آن را در کلاس خاص آموزش دارد و از مردم خواست که یکسان رفتار کنند. مثلاً خانواده فرهنگی دارد هر فرد از خانواده دارای فرهنگی است از تعامل فرهنگ افراد فرهنگ خانواده شکل می‌گیرد. از تعامل فرهنگ خانواده‌ها، فرهنگ قومیت‌ها به وجود می‌آید و از تعامل فرهنگ قومیت‌ها فرهنگ ملی شکل می‌گیرد و از تعامل فرهنگ ملی فرهنگ جهانی به وجود می‌آید و خلاصه آنکه بین سطوح مختلف فرهنگ یک ارتباط منطقی وجود دارد یعنی هر جامعه یا دولتی یا گروهی از علما باید دارای ایده فرهنگی کلی باشند و بعد از این ایده کلی یک استراتژی فرهنگی مطرح است و بعد سیاستهای اجرایی و برنامه فرهنگی مطرح می‌شود و رعایت نکردن این توالی نابسامانی را در برنامه فرهنگی کشور بوجود می‌آورد که هم‌اکنون در ایران ما شاهد آن هستیم زیرا در کشور ما بعد از انقلاب اسلامی به توسعه فرهنگی توجه شده است. حال آنکه باید بانیان فرهنگ به تحول فرهنگی می‌پرداختند و نتیجه پرداختن به توسعه فرهنگی آسیب‌هایی است که در طول این مدت به فرهنگ و تمدن اسلامی وارد شده است برای اینکه بتوانیم از آسیبهای فرهنگی بدورباشیم باید بتوانیم خودمان را با پیشرفت‌های فرهنگی دنیا تطبیق دهیم و در بین تمام برنامه‌های اقتصادی و سیاسی کشور باید فرهنگ و مسائل مربوط به آن را در مرکز این مسائل قرار دهیم. (دهخدا، مدخل فرهنگ)

### آسیب‌شناسی استراتژی فرهنگی کشور

در طی ۵ سال دور نمای توسعه فرهنگی ایران در گذشته و حال متاسفانه ما نه در عمل برنامه‌ریزی علمی داشته‌ایم و نه برنامه‌ریزی‌های موجود ما را به معنای حقیقی به توسعه فرهنگ رسانده است. در طی این سالها تغییرات زیادی در حوزه فرهنگی صورت گرفته و بودجه‌های زیادی صرف گردیده که این تغییرات بصورت

پراکنده و ناهماهنگ بوده و بر مبنای یک برنامه‌ریزی دقیق علمی هم استوار نبوده است و حتی هیچ راهبرد مشخص هم بر فرایند برنامه‌ریزی حاکم نبوده است.

منظور از توسعه فرهنگی و فرهنگ توسعه در بعد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است که برنامه‌ریزی علمی باید منجر به این توسعه شود. در این توسعه باید به سه اصل هستی‌شناسی یعنی شناخت وضعیت موجود از گذشته تا حال و پاسخ به سوالات مطرح شده در این سیر فرهنگی، دوم هدف‌شناسی یعنی وضعیت مطلوب فرهنگی و چگونگی و چرایی آن؛ سوم امکان‌شناسی یعنی مآجرای رسیدن از وضع موجود به وضع مطلوب و اینکه چه موانعی در پیش‌رو داریم، توجه شود.

ما برای پاسخ دادن به هستی‌شناسی باید چارچوب نظری جامع و کاملی داشته باشیم باید روش‌شناسی خاصی داشته باشیم و جایگاه و نقش فرهنگ را در حوزه‌های اجتماعی و همچنین باید رابطه فرهنگ محلی، ملی و بین‌المللی را هم مشخص کرده باشیم و یک ارزشیابی دقیق و علمی هم از کار داشته باشیم که متأسفانه در ۵۰ سال اخیر هیچ یک از مبانی این برنامه‌ریزی مشاهده نشده است

و اما در بعد هدف‌شناسی اگر بخواهیم به نتیجه برسیم می‌بینیم که هدف‌های نسبتاً علمی جنبه هنجاری دارد. برای ترسیم هدفها در جامعه ایران ما باید به اقلار و گروه‌های مختلف در ایران مراجعه کنیم و نقطه نظرات آنها را دیده و تحلیل کنیم مشارکت جمعی افراد را داشته باشیم تا بتوانیم اهداف را تنظیم کنیم و اما از لحاظ امکان‌شناسی ما هرگز از لحاظ علمی ارزیابی دقیق نداشته‌ایم تا بدانیم چه مقدور است و امکانات و چه عواملی و موانعی در حرکت ما از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب مؤثر است ما اگر بخواهیم به وضع مطلوب برسیم به صورت انتزاعی نمی‌توانیم آرمانگرایانه عمل کنیم و بدون توجه به واقعیت‌های پیرامونی خود در حوزه‌های مختلف اهدافی را برگزینیم زیرا در عمل هرگز به آن نمی‌رسیم

البته لازم به ذکر است که در مقوله توسعه فرهنگ ما بیشتر از ایدئولوژی‌ها و برنامه‌ریزی‌های عدالت‌جویانه و آزادی‌خواهانه استفاده کرده‌ایم نه از شاخص‌های دقیق اسلامی. به همین خاطر است که به هدف‌های دقیق

برنامه‌ریزی شده نمی‌رسیم و در این صورت اهداف در عمل تغییر می‌کند. (نقد استراتژی توسعه فرهنگی، عبدالهی ص ۸۱)

### آسیب‌های فرهنگی جامعه

یکی از مهمترین ابعاد آسیب‌زا که امروزه گریبانگیر فرهنگ ایرانی است بازار و کالای فرهنگی است که این بازار کالاهای فرهنگ قابل کنترل نیست. امروزه محصولات رادیو و تلویزیون، کتاب، فیلم سینمایی و بسیاری از اموری که جزء تفریح و سرگرمی هستند از شهربازی گرفته تا وسایل الکترونیکی تا ورزش‌های مدرن همه جزو کالاهای فرهنگی هستند و در جهت رفع نیازهای ثانویه بشر قرار دارند و اگر کالاهای مادی و کالاهای غیر فرهنگی در جهت صیانت ذات هستند کالاهای فرهنگی در جهت تعالی ذات و نوع عمل می‌کنند.

متأسفانه امروزه مسله فرهنگ تبدیل به یک مسله تجاری شده است. در واقع فرهنگ هم در فرایند نهایی و عقلانی که انتهای پروژه مدرنیته است به مرور به کالا تبدیل شده است در جهان امروز فرهنگ به صورت کالا عرضه می‌شود و تولید آن به بازار معطوف است. این روند تجاری شدن فرهنگ فعالیت‌های فرهنگی را عقلانی و به اصطلاح اقتصادی کرده است و در نتیجه موجب تنوع بی‌حد و حصر کالاهای فرهنگی از یک طرف و افزایش میزان عرضه در سطح بین‌المللی شده است.

مطلب دیگر جهانی شدن فرهنگ است. تبادل بین فرهنگ‌ها همواره وجود داشته است ولی در سالهای اخیر به دلیل تحولی که در تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات افتاده است ما با فرایند جهانی شدن فرهنگ روبرو هستیم. این فرایند جریان کند، ناپیوسته و محدود ارتباطات و تبادلات فرهنگی گذشته را به یک جریان شتاب‌زاده، پیوسته و گسترده تبدیل کرده است. با توجه به همین جهانی شدن فرهنگ می‌بینیم در جاهای مختلف جهان با زبان‌ها، قومیت‌ها، ادیان، مذاهب، علایق و سلیق‌گوناگون کالاهای فرهنگی مشابهی مصرف می‌شود که با زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی آن جوامع و اقوام متفاوت است. این اثر نهایی فرایند جهانی شدن فرهنگ در واقع باز مؤید گسترش عرضه و همین‌طور تنوع عرضه در سطح بین‌المللی است بنابراین ما با دو

فرایند خلاف در ارتباط با فرهنگ داخلی روبرو هستیم. در خط اول افزایش تنوع تقاضا و کاهش عرضه و محدودیت عرضه و در سطح بین‌المللی با افزایش عرضه کالاهای فرهنگی و تنوع آن، با توجه به این روند امروزه حکومت هم تابع تقاضای مردم است و این تقاضا از طریق سازوکارهای انتخابات به گوش کارگزاران می‌رسد و دوم مسأله اهمیت یافتن افکار عمومی است از طرفی سیاست‌گذاری دولت در عرصه فرهنگ هم تضعیف شده است یعنی دولت به دلیل عدم توانایی مالی قادر به سیاست‌گذاری در مقوله فرهنگ نیست تا بتواند به نتایج مطلوب دست پیدا کند به همین دلیل نمی‌توانیم در مقابل تهاجمات بیرونی و عوامل مخل مقاومت کنیم. وضعیت فرهنگی کشور به گونه‌ای است که در مقابل هجوم خارجی و عوامل آن مصونیت ندارد.

### شاخص‌های فرهنگی

امروزه شاخص‌های فرهنگی متداول میان کشورها عبارتند از:

۱- سینما از طریق ارزیابی تعداد سالن‌های نمایش فیلم و تعداد تولیدات فیلم‌های بلند سینمایی، ظرفیت سرانه صندلی سینماها

۲- کتاب که با شناسایی تعداد عنوان‌های کتاب تألیف شده، تعداد کتاب‌های ترجمه شده، موقعیت و جایگاه کتابخانه

۳- صدا و سیما از طریق سنجش ساعت‌های پخش برنامه‌های صدا و سیما، ضریب نفوذ سرانه تعداد گیرنده‌ها و فرستنده‌ها

۴- نشریات با احتساب تعداد عناوین، تیراژ و ضریب نفوذ سرانه روزنامه‌ها.

- وضعیت کاغذ به معنی میزان مصرف سالانه آن

- وضعیت مصرف واردات کالاهای فرهنگی

- وضعیت تولید و صادرات کالاهای فرهنگی

- آمار توریسم به تعداد افراد بازدیدکننده از آثار تاریخی، فرهنگی و تفریحی یک کشور. بررسی شاخص‌های یاد شده از یک طرف کارآیی مثبت و از طرف دیگر نقاط ضعف و نقص آن‌ها را بیان می‌کند. (شاخص‌های فرهنگ، ۲۰۵)

ضمناً فعالیت‌های فرهنگی از دو بعد کمی و کیفی قابل شناسایی است. اموری مانند تعداد فعالیت تعداد محصولات، میزان امکانات از جمله پارامترهای کمی می‌باشند اما در سطح و درجه مرغوبیت و میزان تطبیق اثر با قواعد کارشناسی و نظایر آن از پارامترهای کیفی هستند. امروزه در کشور در شاخص‌های متداول از پارامترهای کیفی غفلت شده است و تنها به بررسی کمی فعالیت‌ها پرداخته شده است در صورتی که کمیت به تنهایی نمی‌تواند بیانگر میزان رشد و توسعه باشد

کیفیت فعالیت‌های فرهنگی از دو بعد و محتوا قابل ارزیابی است یعنی هر فعالیت فرهنگی از طرفی باید بر ضوابط و قوانین خاص آن فعالیت استوار باشد و از طرف دیگر باید در راستای ارزشهای پذیرفته شده اجتماعی، محتوای صحیح و سازنده‌ای را عرضه نماید و میزان رعایت و هماهنگی این دو بعد است که معرف ارزش کیفی فعالیت‌ها است و از طرفی بیانگر رشد فرهنگی یک جامعه می‌باشد.

## انواع شاخص‌ها

### شاخص‌های امور فرهنگی

در امور فرهنگی بنابر وسعت و گستردگی و تعدد موارد کاربرد شاخص‌ها در چند سطح مورد بررسی قرار می‌گیرد. سطح اول شاخص‌های توسعه، سطح دوم شاخص‌های کلان، سطح سوم شاخص‌های خرد. در سطح اول شاخص‌ها به سه قسمت تقسیم می‌شود که بسیار کلی هستند از جمله فرهنگ سیاسی، فرهنگ فرهنگی، فرهنگ اقتصادی. طبیعی است در این سطح وضعیت فرهنگی در کلی‌ترین شکل به گونه‌ای مورد ارزیابی و شناسایی قرار می‌گیرد که امکان مقایسه جامعه را با جوامع دیگر یا ارزیابی همان جامعه را در زمان‌های مختلف ممکن می‌سازد در سطح دوم شاخص‌هایی نسبت به نه دسته از امور فرهنگی ارائه گردیده است بدین معنی که

هر کدام از قسمت های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی به سه دسته فردی، خانوادگی جمعی و برای هر کدام شاخصه‌ای خاصی معرفی شده است و سطح سوم شاخص‌های فرهنگی براساس تقسیم امور فرهنگی به اجزا و موضوعات محدودتر به قسمت های متعدد تقسیم می‌شود و شاخص‌های امور فرهنگی فردی (اعم از فرهنگی، سیاسی، اقتصادی) هر کدام در شش دسته شاخص‌های مربوط به اطفال، کودکان، نوجوانان، جوانان، میانسالان، کهنسالان به تفکیک بیان شده است. شاخص‌های مربوط به امور فرهنگی خانواده به ترتیب به شهری، روستایی و عشایری ارایه گردیده و شاخص‌های مربوط به سازمان ها به سازمان های رسمی و غیررسمی تقسیم شده است سازمان های رسمی به دولتی، عمومی و خصوصی و برای سازمانهای غیررسمی انواع صنفی، دینی، ملیتی، قومی در نظر گرفته شده است. (شاخص های فرهنگ، ۷۳)

### ۱) آسیب های صرفاً فرهنگی

هر فرهنگ و تمدنی در طول تاریخ و در اقصی نقاط جهان همواره توسط عواملی ذاتاً فرهنگی مورد حمله و صدمه بوده است. چرا که در مقابل هر فرهنگ، منطقیاً ضد فرهنگ یا ضد فرهنگ‌هایی نیز وجود دارند. در زمان ما و درباره کشور جمهوری اسلامی ایران می‌توان این عوامل ضد فرهنگ را به دو دسته کلی تقسیم‌بندی کرد.

الف) عوامل ضد فرهنگی درونی :

امروزه کارشناسان امر فرهنگ، عوامل متعددی را به عنوان دلایل افول فرهنگی ایران برمی‌شمارند که ریشه در خود فرهنگ ایرانی دارد. اما با یک نگاه کلی می‌توان همه این عوامل متعدد را ذیل یک عنوان کلی بازشناسی کرد. این نوع عنوان کلی منشاء سایر عوامل ریز و درشت ضد فرهنگ در ایران امروز و حتی بسیاری از کشورهای به اصطلاح در حال توسعه جهان است که می‌توان آن را «گمگشتگی تاریخی» یا «بی‌هویتی تاریخی» نامید.

با ظهور مدرنیسم و غرب جدید در عالم و سرازیر شدن افکار و در پی آن استعمارگران غربی به ممالک شرقی، ظرف کمتر از ۲۰۰ سال اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان سوم دچار فراموشی تاریخی شدند و خود و تاریخ خود و میراث های گرانبهای خود و به طور کلی ارزش های فرهنگی و تمدنی خود را یکسره از یاد برده و



مقهور نظم نوین غربی و تفکر تکنیکی و تجربی غرب شدند. در این میان کشورهای چینی و ژاپن و بعدها تایوان و اندونزی و کره جنوبی و چین و چندی دیگر از کشورهای شرق دور، به عمد و از روی تصمیم مشخص به این فراموشی تاریخی تن دادند و با خود آگاهی کامل تصمیم به فراموشی گذشته خود و پیوستن به تمدن غربی گرفتند. این کشورها پس از طی سالیانی سخت ولی کوتاه توانستند از تاریخ خود جدا شوند و به تاریخ غرب بپیوندند و مانند کرمی که به پروانه‌ای تبدیل می‌شود، زندگی فکری - فرهنگی جدیدی را تجربه نمایند. ولی در این میان بسیاری دیگر از کشورهای شرقی و خصوصاً خاورمیانه‌ای از جمله ایران، بعد از گذشت سالیانی طولانی از مواجهه با غرب جدید هنوز نتوانسته‌اند تضاد میان فرهنگ بومی و مذهبی خود را با مبانی تمدن غربی حل و فصل نمایند. البته باید گفت که این تضاد حل شدنی نیست ولی می‌توان از یکی از طرفین این تضاد به نفع دیگری دست شست و این امری است که متأسفانه یا خوشبختانه هنوز در کشوری مانند ایران اتفاق نیافتاده است. در نتیجه وضعیت فرهنگی ایران مانند گیاهی است که از گلدان قبلی خود خارج شده و هنوز به گلدان جدیدی منتقل نشده است و این گیاه بیچاره هر روز نحیف‌تر و ضعیف‌تر می‌گردد. البته واقعه عظیمی مثل انقلاب اسلامی نشان داد که ریشه‌های معنوی و مذهبی ملت ایران بسیار قوی و تأثیرگذار است. ولی این ریشه قوی نیاز به ساقه و برگ‌هایی تازه و جدید نیز دارد که همان علوم انسانی بومی و ایرانی اسلامی است. این در حالی است که بعد از گذشت سه دهه از انقلاب اسلامی هنوز در میان تصمیم‌گیران فرهنگی و نیز اقشار مختلف مردم، تردید جدی میان پیوستن به فرهنگ غربی از یک طرف و علاقه به فرهنگ ایرانی - اسلامی از طرف دیگر وجود دارد. بدیهی است که کشوری که از لحاظ فرهنگی دچار سرگستگی و تضاد است مشکلات بسیار بیشتری نسبت به سایر کشورها دارا می‌باشد زیرا این تضاد و سردرگمی فرهنگی به همه شئون زندگی فردی و اجتماعی افراد جامعه رسوخ پیدا می‌نماید و مشکلات دو چندان را به بار می‌آورد.

(ب) عوامل ضد فرهنگی بیرونی :

علاوه بر بی‌تکلیفی فرهنگی در درون کشور، دشمن نیز برای از میان برداشتن آثار معنوی انقلاب اسلامی از روح و جان جوانان کشور برنامه‌ریزی‌های فراوانی را انجام داده است که ابتدا در شکل تهاجم فرهنگی و در نهایت به

صورت ناتوی فرهنگی (یعنی یک حرکت همه جانبه و جهانی برای براندازی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران) ظهور و بروز یافته است.

ملت ایران در طول تاریخ همواره از تبادل فرهنگی با سایر ملل استقبال کرده و هراسی به خود راه نداده است ولی باید گفت که مناسبات فرهنگی در جهان معاصر به هیچ وجه بر پایه تبادلات فرهنگی سازنده استوار نیست. پایه و اساس مناسبات فرهنگی در جهان امروز رسانه‌های تکنولوژیک است. این رسانه‌ها در صد بسیار اندکی از ظرفیت خود را به تولید و نقد اندیشه و دعوت مخاطبان خود به تفکر اختصاص می‌دهند و به جای آن در پی تأثیرگذاری بصری و احساسی بر مخاطبان هستند. این گونه کارکرد به هیچ عنوان با مسئله تبادل فرهنگی همخوانی ندارد؛ چرا که پایه تبادلات فرهنگی همواره بر مبنای عقل و منطق نقد استوار بوده نه تأثیرگذاری ناخود آگاه و احساسی. رسانه‌های جهان امروز بیش از اینکه تفکرات انسانها را مورد خطاب قرار دهند، با اتکا به ابزارها و تکنیک‌های پیچیده بصری مانند فیلم‌های سینمایی، شبکه‌های سرگرمی‌ساز ماهواره‌ای، بازیهای رایانه‌ای سایت‌های بصری و تصویری اینترنتی و ... سعی در القای فرهنگ خود بدون طرح دلیل و برهان خاصی در اذهان جوانان سایر کشورها دارند. اگر از بسیاری از جوانانی که دچار ناهنجاری‌های فرهنگی و رفتاری تحت تأثیر رسانه‌های غربی شده‌اند چند سوال ساده بپرسید به خوبی متوجه می‌شوید که هیچ گونه دلیل و برهان معقول و منطقی در پس رفتار ایشان وجود ندارد بلکه فقط احساسات یا غرایز آنها در جهت خاصی تحریک شده است. (ماده ۱۰۵ قانون برنامه چهارم)

## ۲) آسیبهای اقتصادی - فرهنگی

یکی دیگر از مشکلات جوامعی که هنوز از فرهنگ و تمدن خود دل نکنده‌اند و به تمدن غربی نیز نپیوسته‌اند، مخلوط شدن همه شئون زندگی فردی و اجتماعی در هم و ایجاد آشفتگی فزاینده در همه مراتب است. در این صورت دیگر هیچ چیزی در سر جای خود قرار ندارد و هویت واقعی خود را تجربه نمی‌کند. در کشور ما نیز این موضوع وجود دارد و باید گفت که بخش فرهنگ از این آشفتگی و آمیختگی بیشترین صدمه و ضربه را تحمل

می‌کند و مشکلاتی را فرا روی خود می‌بیند که ذاتاً فرهنگی نیستند بلکه از آمیخته شدن مسائل دیگر با فرهنگ به وجود آمده‌اند. یکی از این التقاط‌های نامبارک، التقاط فرهنگ و اقتصاد است. در کشور ما نه تنها فرهنگ با اقتصاد به صورت بیمار گونه‌ای آمیخته شده است بلکه همواره فرهنگ قربانی اقتصاد می‌گردد. شرایط آمیختگی فرهنگ با اقتصاد بدین معنا است که فعالیت فرهنگی در صورتی موجه و صحیح به نظر می‌رسد که توجیه اقتصادی نیز داشته باشد در غیر این صورت علیرغم تعریف‌ها و تمجیدهای بسیار راه به جایی نمی‌برد و محکوم به نابودی و فنا است. به عنوان یک مثال کوچک دستگاه‌های دولتی مانند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تنها به نویسندگانی وام‌های کمک هزینه می‌دهند که کتاب‌هایشان بازگشت اقتصادی نیز داشته باشد و در این موضوع صرفاً فرهنگی باز هم انتظار اقتصادی را دنبال می‌کنند. در این صورت معلوم است که کتابی با موضوع فوتبال یا فالگیری، از کتابی در مورد زندگی ائمه اطهار(س) یا امام خمینی (ره) شانس بیشتری برای دریافت وام دارد. این مثال کوچکی از وجود دیدگاه اقتصادی در فرهنگ بود. همچنین می‌توان به تأثیرات فرهنگی شرکت‌های بین‌المللی مانند ال‌جی یا سامسونگ در کشور پرداخت و باید گفت که این شرکت‌ها بیشتر از کل ادارات دولتی کشور مشغول انجام فعالیت‌های فرهنگی در جهت کاملاً مخالف اهداف انقلاب و اسلام هستند ولی به دلیل داشتن سرمایه‌های کلان و بودجه‌های میلیاردی، اکثر نهادهای فرهنگی مانند صدا و سیما، خود را محتاج ایشان می‌دانند.

### ۳) آسیب‌های سیاسی - فرهنگی

یکی دیگر از آمیختگی‌های زیان‌بار و فاجعه‌آمیز، آمیختگی فرهنگ با سیاست است به نحوی که فرهنگ تابع سیاست و قربانی آن باشد. وابستگی فرهنگ به سیاست از وابستگی آن به دولت و دستگاه‌های دولتی ناشی می‌شود. و این یعنی با تعویض دولتها و خط‌مشی‌های سیاسی، لاجرم جهت‌گیری‌های فرهنگی نیز تغییر و تحول اساسی پیدا می‌نمایند. این امری است که در هیچ کدام از کشورهای پیشرفته با وجود اینکه از منابع غنی و با ارزش فرهنگی مانند کشور ما برخوردار نیستند، وجود ندارد. اعم فعالیت‌های فکری و فرهنگی در این کشورها توسط نهادهای خصوصی و مردمی اداره می‌شود که عموماً امکانات خود را از محل اموال وقفی تامین می‌نمایند.

شاید جای تعجب باشد ولی حقیقت دارد. به عنوان مثال کشوری مانند امریکا مالیات های بسیار سنگینی را بر ارثیه‌ها قرار داده، و از طرفی دیگر هیچ گونه مالیاتی را از اموال وقفی که مورد استفاده عموم قرار می‌گیرند دریافت نمی‌کند. این امر باعث شده که بسیاری از متمولین برای جلوگیری ضبط اموالشان توسط دولت، آنها را وقف امور خیریه که عمدتاً فعالیتهای فرهنگی هستند می‌کنند. به عنوان مثال اکثر قریب به اتفاق کتابخانه‌های عمومی در ایالات متحده موسساتی خصوصی و مردمی، انتفاعی هستند که با تکیه بر اعتبارات وقفی مردم اداره می‌شوند. ناگفته پیداست که چنین نظام فرهنگی خصوصی و غیرانتفاعی هستند که با تکیه بر اعتبارات وقفی مردم اداره می‌شوند. و همواره در مسیر موردنظر خود فارغ از جهت‌گیری های سیاسی به پیش می‌رود.

نکته دیگری که در کشور ما در رابطه با نسبت فرهنگ و سیاست وجود دارد این است که نه تنها در ایران فرهنگ تابعی از سیاست است، بلکه قربانی آن نیز هست. بدین معنا که بعد از روی کار آمدن هر دولت، فرهنگ و مسائل فرهنگی ذیل سایر امور قرار می‌گیرد و در انتهای فهرست اولویت‌های دولتی دیده می‌شود. در یک دولت، فرهنگ بیشتر ابزار و قربانی سیاست و سیاست بازی است و در دولتی دیگر فرهنگ ذیل مسائل اقتصادی قرار دارد. لازم به ذکر است که مراد از فرهنگ و توجه به آن، تعداد صندلی های سینما یا سالنهای نمایش یا فیلم های اکران شده در سینماها یا میزان استفاده مردم از اینترنت نیست، بلکه این موارد نیز خود سخت‌افزار فرهنگی هستند و باید به فکر برنامه‌ریزی برای تولید نرم‌افزاری فرهنگ بود.

#### ۴) آسیب های ساختاری

همانطور که ذکر شد اداره امور فرهنگی در کشور ما عمدتاً دولتی است که آسیب های خاص خود را به همراه دارد. ولی نکته مهم دیگری که وجود دارد این است که این نظام فرهنگی دولتی و حکومتی نیز با توجه به برخورداری از بودجه‌های نسبتاً قابل توجه، کارایی و چابکی لازم را ندارد. دلیل این امر به صورت خلاصه ضعف ساختاری و اداری فعالیت های فرهنگی است. یکی از ابعاد این ضعف مشخص نبودن متولی مشخص در شاخه‌های گوناگون فرهنگی است به گونه‌ای که برای انجام یک عمل مشخص دو یا چند مرجع گوناگون

تصمیم‌گیری وجود دارد که در اکثر مواقع اثر یکدیگر را خنثی می‌سازند. به عنوان مثال در حوزه تولیدات موسیقی اگر صاحب اثر موفق نشود مجوز اثر خود را از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اخذ کند، به سراغ حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی می‌رود و مجوز مذکور را از آنجا تهیه می‌نماید، یا برای صدور مجوز فعالیت یک نهاد مردمی و غیردولتی، سه دستگاه یعنی وزارت ارشاد، وزارت کشور و سازمان ملی جوانان هر یک با ضوابط جداگانه و مستقل اقدام می‌نمایند و مثال هایی فراوان از اینکه متولی حقیقی و اصلی یک فعالیت فرهنگی متعدد و متکثر است. در نتیجه فعالیتهای فرهنگی در کشور اولاً به دلیل ساختارهای اداری و بروکراتیک، تولیدات کم محتوایی دارند و ثانیاً همین تولیدات کم محتوی نیز اغلب توسط فعالیت سایر دستگاههای فرهنگی مستهلک و بی‌اثر می‌گردد.

بدیهی است که اگر قرار بر این است که فعالیت های فرهنگی در جامعه فعالیتهای دولتی و حکومتی باشند شرط اول موفقیت در این است که تمرکز و هماهنگی جامع و دقیقی مابین دستگاههای فرهنگی وجود داشته باشد و تصمیم‌گیری های فرهنگی در مورد مسائل مختلف به صورت متمرکز و هدایت شده انجام پذیرند. ولی امری که در عمل وجود دارد این است که بیش از ۳۰ دستگاه مختلف دولتی و حکومتی در کشور متولی امور فرهنگی هستند و هر یک نیز به تشخیص و سلیقه خود فرهنگ را معنا کرده و برای آن نسخه می‌پیچند. به عنوان مثال وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات که شاید در نظر اول ارتباطی به فرهنگ نداشته باشد خود دارای معاون فرهنگی است که این معاونت هیچ گونه هماهنگی و همکاری را با نهادهای اساسی فرهنگی نظیر وزارت ارشاد یا سازمان تبلیغات اسلامی ندارد و بر اساس مقتضیات خود تصمیماتی را اتخاذ و به مرحله اجرا می‌گذارد. این موضوع در بسیاری از وزارت خانه‌ها و دستگاه های دولتی دیگر نیز وجود دارد.

### راهکارهای پیشنهادی :

- تمایز بین شاخص‌های کمی و کیفی در حوزه‌های فردی، اجتماعی فرهنگی
- تقویت شورای عالی انقلاب فرهنگی بعنوان بالاترین مرجع تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری فرهنگی

- ارتباط تنگاتنگ حوزه‌های علوم دینی با مراجع تصمیم‌گیری فرهنگی جهت شناساندن شاخص‌های فرهنگی اسلام ناب و حقیقی

- خصوصی‌سازی فرهنگ با هدایت دولت نه دخالت دولت

- محوریت قرار دادن فرهنگ نسبت به اقتصاد و سیاست

- بازگشت به اهداف فرهنگی انقلاب اسلامی

- تعریف نقد صحیح از تهاجم فرهنگی و بالاتر از آن ناتوی فرهنگی برای مدیران و متولیان فرهنگی و عموم

جوانان

- ایجاد حساسیت‌های ارزشی و فرهنگی در محیط‌های دانشگاهی بجای حساسیت‌های صرفاً سیاسی

- عرضه محصولات فرهنگی متناسب با نیاز جامعه در تقابل با وفور محصولات فرهنگی خارجی

- از بین بردن لابی‌های اقتصادی در تولید برنامه‌های رسانه‌ای

- هدفمند کردن یارانه‌ها و حمایت‌های دولتی در بخش فرهنگ با استراتژی فرهنگی

## نتیجه‌گیری

مقوله فرهنگ و ابزارهای فرهنگی با توجه به شرایط جامعه از حساسیت خاصی برخوردار است. امروزه فرهنگ تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. واز طرف دیگر بر تمامی رفتارهای فرد و جامعه اثر می‌گذارد. پس ساماندهی فرهنگی از امور بسیار مهم و حساس جامعه کنونی ایران است و برای پی بردن به این نا بسامانی فرهنگی باید بدانیم نقص کجاست، آسیب‌ها را شناخت و بدانیم فرهنگ ما از کجا آسیب دیده است واز کجا آسیب می‌بیند. و راهکارهای مقابله با آسیب‌های فرهنگی را در جامعه مورد بررسی قرار داد. راهکارها باید با فرهنگ اصیل و حقیقی همراه با شناخت و معرفت از فرهنگ همراه شود. در این صورت می‌توان به یک وحدت و هماهنگی که اعم از فرهنگ سیاسی، فرهنگ اجتماعی و فرهنگ اقتصادی برسیم. بعد دیگر اینکه فرهنگ حوزه تعقل و تفکر و گفتمان در جهت کسب معرفت و فهم مشترک لازم برای تداوم زندگی است. ما در وضعیت

موجود دچار تشتت و تعارضی فکری و فرهنگی در زمینه باورها، ارزشها، و اصول و اهداف فرهنگی هستیم. تعارض بین نهادهای متولی فرهنگ، بین نخبگان و توده‌های مردم وجود دارد. وضعیت مطلوب ما این است که بایستی به وفاق نسبی برای اصول و اهداف اساسی برسیم بایستی فهم دینی، فلسفی و علمی مشترک پیدا کنیم باید سطح آموزش رسمی و غیررسمی را ارتقاء دهیم باید شیوه‌های تفکر و تحلیل انتقادی را بوجود آوریم و گفتمان منطقی و خردمندانه را ایجاد کنیم ما در وضعیت موجود چند گانگی ساختاری داریم. تعدد و تنوع و تعارض قوای و الگوهای عمل بین اهداف مختلف داریم. ضعف تامین اجتماعی داریم غلبه هویت‌های جمعی کوچک و خاص‌گرایانه داریم و بالاخره تعارض بین نخبگان و مردم را داریم که اگر بخواهیم به تحولات و توسعه فرهنگی برسیم باید به وحدت در کثرت و انسجام جمعی در سطح ملی یعنی قواعد و اصول اخلاقی و قانون عام پیدا کنیم و به هویت جمعی برسیم. پس برای رسیدن به این هویت باید نهادهای مدنی ایجاد کنیم و به دنبال آن باید تعارضی و ناهماهنگی بین حوزه‌های مختلف اجتماعی را از بین ببریم تا بتوانیم از آسیب‌های بخش فرهنگی کشور که دچار آن هستیم رهایی یابیم.

## منابع

- دورینگ، س. (۱۳۷۸) مطالعات فرهنگی. ترجمه حمیرا مشیرزاده. تهران: آینده پویان
- مشیرزاده، ح. (۱۳۸۲) از جنبش تا نظریه اجتماعی. تهران شیرازه
- روز بهانی، روح انگیز. (۱۳۷۸) راهبردهای فرهنگی. تهران: سازمان چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵) جامعه شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی
- فرد رو، محسن. (۱۳۸۶) فعالیت‌های پژوهشی راهبردهای فرهنگی. تهران، چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه (۱۳۸۶) بصیرت سیاسی. ناشر بسیج فرهنگیان
- جی. بنیت، ویلیام. شاخص‌های فرهنگی در ایالات متحده آمریکا در قرن بیستم، دبیر خانه شورای فرهنگ عمومی

## مقالات

قایمیان، حسین (۱۳۷۷) تحولات ساختاری و ضرورت دگرگونی راهبردهای فرهنگی، دبیر خانه شورای فرهنگ

عمومی

عبداللهی، نقد استراتژی توسعه فرهنگی و الزامات برنامه ای آن، دبیر خانه شورای فرهنگ عمومی

رضایی، محسن. (۱۳۷۷) مبانی مفهومی و نظری فرهنگ و الزامات برنامه ای آن، دبیر خانه شورای فرهنگ عمومی

**[www. Hashrieh – hameh.com](http://www.Hashrieh-hameh.com)**

**[www. Danesh nameh. Roshd.ir](http://www.Danesh.nameh.Roshd.ir)**

**[www.tebyan.net.](http://www.tebyan.net)**

**[www. ershad it](http://www.ershad.it)**